

شہید محسن حجج

پدر نمونه

فایل صوتی وصیت نامه شهید:

سلام عالی آقا سلام بایجان سلام پسر گلم، چند کلمه‌ای هم من خواستم با تو حرف بزنم.
بیخیشید که بایجان در سن کودکی راهیت گردید و رفیق اکر ما فی رفقیم به حرم حضرت
زینب(س) جسارت می‌شد با خانی ناکرده همان خربه‌های شام برای مردم حضور رقهه(س)
آنفاق می‌افراد تو باید خیلی موظب خودت باشی، نه تنها باید موظب خودت باشی بلکه
باید موظب اطراقیات هم باشی؛ اسمت را کذاشتم علی تا مولا پیشوا والکویت علی(ع) شود..

عاشره، ولایت

همسر شهید:

همسر شهید: ایشان مقلد رهبر کبیر انقلاب بودند و در قامی
زمینه‌ها آقا را قبول داشتند و حسن زاده ایشان که در امور
فرهنگی شرکت می‌کردند هم به شدت روی این مسئله
نوصیه و تأثید داشتند.

امام خامنه‌ای: شهید **حججی** را خدای تعالی مثیل پیک
حججی امروز در مقابل چشم همه گرفت

حبت خدا

علاوه بر تحصیلات دانشگاهی، اهل مطالعه و کتاب و
تحقیق در حوزه‌های معرفی و عقیدتی در پی پاسخ
مستند به شیوهای بود.

اهل علم

ایشان در زمینه ترویج و تبلیغ کتاب از اعضاي فعال
مؤسسه شهید احمد کاظمی بود

مرجو کتاب

شهید محسن حججی در سفری که در سال ۹۴ به مشهد مقدس
داشت به امام رضا(ع) نامه نوشت:
از آخرين ياري که به پارسیان آمدند تاگون چندسالی می
گذرد و حال که در صحن و سرای هستم سر تا پا شوق و
شعف دارم فقط یک خواسته شخص دیگر دارم؛ مولای من
بر من مت بگذار و جواز شهادتم را امضا کن.

مجذوب امام رضا (ع)

وی نخوه از دنیا رفتش را پیش بینی و آرزو کرده بود
«جوزی شهید شود که هم مثل امام حسین (ع) باشد و
هم مثل مادران، فاطمه زهرا(س)»

متولد ۱۳۷۱



مجاهد

فرزند صالح

پدر شهید حججی: محسن حسود یک ساعت قبل از
اعلام و حرکتی ره امام آمد و گفت: من نذر کردم
در شهد که اکر شما را بایت دیدم و شرایط رفقت به
سوریه برای من فراهم شود پای شما را بیوسم.

عزیز خدا

به مادرش التماس کرده: «اجازه بده من روم». مادرش
هم می‌گوید: «برو! ولی شهید شو!» محسن در جواب
گفته است: «نه، من هی روم؛ ولی شو! مادر!»

همسر نمونه

محسن با همسرش در یک مؤسسه فرهنگی با یکدیگر
آشنا شدند و زمانی که ازدواج کردند دقایقی تا هم یکی
شده و به معنای واقعی ازدواج کاملی بین این دو نفر سر
گرفت. فایل صوتی وصیت نامه شهید: زمزرا جان خلیل
دوست دارم، و خوشحال ازین که من با تو ازدواج کردم.

خدم مدرومان

به فعالیت‌های خبریه و نیوکارانه و کمک به
محرومیت‌زدایی در مناطق محروم پرداخت. عمرها
در کاپوئویس کار کرده و داماد حاصل از آن را در
اردوهای جهادی برای محرومیت زدای خرج می‌کرد.

خدم الشهداء

از خادمین راهیان سور در مناطق عملیاتی دوران
دقاع مقدس بود.